

مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال دهم، شماره ۴۱، بهار ۱۴۰۴ (ص ۵۸ - ۶۹)
دریافت: اسفند ماه ۱۴۰۳ پذیرش: فروردین ماه ۱۴۰۴

تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی در ایران و غرب آسیا از منظر حقوق بین الملل

The Zionist Regime's State Terrorism in Iran and Asia West from the perspective of International Law

✍️ مریم استوار، کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، شیراز، ایران.

Maryam Ostovar, MA in International Law, Azad Islamic University of Shiraz, Iran.

Email: Maryam_ostovar5414@yahoo.com

Abstract

Terrorism is one of the most complex issues that has existed in various forms around the world since the appearance of governments and it has taken numerous victims. If a government supports or organizes terrorist groups and uses continuous and systematic, disproportionate, illegal and unconventional violence against its civilians and opponents, both inside and outside the country, in order to achieve micro and macro goals in its foreign and domestic policies, from its borders, covertly or openly, that state has committed state terrorism. The present article seeks to answer this question with a descriptive-analytical method: What are the dimensions of state terrorism of the Zionist regime from the perspective of international law? The findings of the research show that since the beginning of its formation, the Zionist regime has carried out direct and indirect violent actions in the form of structural violence in order to achieve its goals. In the framework of international law (humanitarian and human rights), the act of assassinating nuclear scientists of Iran and Arab countries by the Zionist regime, as a gross violation of human rights, an example of committing international crimes, violating the United Nations Charter and interfering in other people's affairs and based on the rules of

چکیده

تروریسم یکی از پیچیده ترین موضوعاتی است که از زمان پیدایش حکومت‌ها به اشکال مختلف در سراسر جهان وجود داشته و قربانیان بسیاری را گرفته است. چنانچه دولتی برای رسیدن به اهداف خرد و کلان در سیاست‌های خارجی و داخلی خود به پشتیبانی یا سازماندهی گروه‌های تروریست و کاربرد مداوم و سیستماتیک نامتناسب، غیرقانونی و نامتعارف خشونت در برابر غیرنظامیان و مخالفان خود چه در درون کشور و چه بیرون از مرزهای خود، پنهانی یا آشکار بپردازد، آن دولت مرتکب تروریسم دولتی شده است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ‌گویی به این سوال می‌باشد: ابعاد تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی از منظر حقوق بین‌الملل چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی از همان آغاز شکل‌گیری خود، اقدامات خشونت‌آمیز مستقیم و غیرمستقیمی را در قالب خشونت ساختاری در جهت کسب اهدافش انجام داده است. در چارچوب حقوق بین‌الملل (حقوق بشردوستانه و حقوق بشر) اقدام به ترور دانشمندان هسته‌ای ایران و کشورهای عربی توسط رژیم صهیونیستی، به مثابه نقض فاحش حقوق بشر، مصداق ارتکاب جنایات بین‌المللی، نقض منشور سازمان ملل متحد و مداخله در امور دیگران می‌باشد و براساس قواعد حقوق بین‌الملل، این رژیم به دلیل ارتکاب تروریسم دولتی، مسئولیت بین‌المللی دارد.

کلیدواژه‌ها: تروریسم، تروریسم دولتی، رژیم صهیونیستی، ایران، غرب آسیا، دانشمندان هسته‌ای.

international law, this regime has international responsibility for committing state terrorism.

Keyword: terrorism, state terrorism, Zionist regime, Iran, West Asia, nuclear scientists

مقدمه

تروریسم از مقوله‌های مهم در زمینه امنیت ملی و بین‌المللی در جهان امروز است. این پدیده به علت پیوندی که با تکنولوژی‌های نو پیدا کرده به صورت معضلی راهبردی در آمده است که در سایه آن، گروه‌های کوچک اما سازمان‌یافته و پیچیده، بازیگرانی مهم در عرصه‌ی بین‌المللی شده‌اند. تروریسم دولتی که شاخه‌ای از تروریسم شمرده می‌شود، اصطلاحی است گویای دخالت دولت یا دولت‌هایی در امور داخلی یا خارجی دولتی دیگر، با هدف هراس‌افکنی از راه اجرا یا مشارکت در کارهای تروریستی یا پشتیبانی از عملیات نظامی به منظور از میان برداشتن، تضعیف و براندازی دولت دیگر یا دستگاه رهبری آن. دادن کمک‌های مادی (نظامی) و معنوی (پشتیبانی سیاسی) به گروه‌های مخالف و مشارکت در عملیاتی چون بمب‌گذاری، مین‌گذاری در بندرها و سواحل، آدم‌کشی، هواپیما دزدی و ترور فرماندهان عالی رتبه کشورها، نمونه‌هایی در این زمینه است (سمیعی اصفهانی و سالکی، ۱۳۹۴: ۷۵). رژیم صهیونیستی مصداق عینی تروریسم دولتی است. این رژیم با سازمان‌های تروریستی از قبیل ایرگون، هاگانا، استرن و... متولد شده و رهبران آن نیز از میان این سازمان‌ها برآمده‌اند. اشخاصی چون بن‌گوریون، اسحاق شامیرو اسحاق رابین قبل از این که قدرت را در رژیم اسرائیل به دست گیرند در سازمان‌های مختلف تروریستی این رژیم از فعالان تمام عیار بوده‌اند. رژیم اسرائیل از ابتدا تاکنون با عملیات‌های تروریستی در داخل و خارج مرزهای رژیم اسرائیل به حیات خود ادامه داده است. بمب‌گذاری‌ها، ترورهای هدفمند، هواپیما ربایی و... که در بخش عملیات ویژه سازمان موساد (که به ترورهای مخالفان می‌پردازد) انجام می‌گیرد از فعالیت‌های مهم این سازمان محسوب می‌شود. رژیم اسرائیل، به عنوان یک رژیم نامشروع از ابتدای تاسیس تاکنون، مکان ناامن‌سازی منطقه غرب آسیا بوده و چندین جنگ بزرگ و کوچک را به منطقه تحمیل کرده است (۱۹۴۸، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و....) و تنها واحد منطقه است که سلاح‌های هسته‌ای را در اختیار دارد. شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد تاکنون قطعنامه‌های مختلفی را علیه رژیم اسرائیل صادر کرده است. در قطعنامه ۳۴۲ در سال ۱۹۶۷، این رژیم ملزم به عقب‌نشینی از مناطق اشغالی فلسطین گردید. همچنین در قطعنامه ۲۴۷ در سال ۱۹۴۸، رژیم اسرائیل در خصوص تصرفات صورت گرفته در بیت‌المقدس شرقی محکوم شد. علاوه بر این، رژیم اسرائیل با کشتار انسانی پیوند دیرین دارد. حدود ۳۰ کشتار فجیع در تاریخ این رژیم ثبت شده است که همگی تنها بخش کوچکی از مصادیق تروریسم دولتی رژیم اسرائیل می‌باشند (خبرگزاری بین‌المللی قدس، ۱۳۹۰/۴/۴). سرویس جاسوسی موساد رژیم صهیونیستی طی دهه‌های گذشته فعالیت‌های متمرکزی برای شناسایی و حذف دانشمندان ایرانی، عربی و اسلامی بویژه در زمینه هسته‌ای دنبال می‌کند. این رژیم جعلی هر شخصیت علمی را که احساس کند قادر است در مسیر پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک در کشورهای اسلامی موثر واقع شود، حذف می‌کند. تاکنون تعداد زیادی از دانشمندان عراقی، مصری و برخی کشورهای غرب آسیا توسط رژیم صهیونیستی کشته شده‌اند؛ اما بیشترین ترورها مربوط به دانشمندان هسته‌ای ایران بوده است که آخرین مورد آن شهید دکتر فخری زاده می‌باشد که در تاریخ ۷ آذر ۱۳۹۹ مصادف با ۲۷ نوامبر ۲۰۲۰، عناصر تروریستی مسلح، خودرو حامل این دانشمند مطرح هسته‌ای ایران را مورد حمله قرار داده و وی را نیز به شهادت رساندند. بنابراین ما در این مقاله به دنبال بررسی این مسائل می‌باشیم؛ در ابتدا تروریسم دولتی رژیم اسرائیل درخصوص کشتار مردم بی‌دفاع فلسطین و ترور دانشمندان هسته‌ای ایران و کشورهای اسلامی (مصر، لبنان، عراق، سوریه و فلسطین) و راه کارهای پیگرد بین‌المللی رژیم صهیونیستی به عنوان تروریست دولتی و ابعاد نقض حقوق بین‌المللی تروریسم دولتی این رژیم را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد. سپس محورهای تبلیغاتی رسانه‌های غربی، صهیونیستی و عربی در مورد ترور دانشمندان هسته‌ای ایران و غرب آسیا و پاکسازی چهره تروریستی رژیم اسرائیل مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت. در پایان نتیجه گیری ذکر خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در خصوص تروریسم و تروریسم دولتی مقالات فارسی و انگلیسی و همچنین کتب انگلیسی متعددی نوشته شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: مقالات فارسی «صهیونیسم و تشدید خشونت در خاورمیانه» دهشیری و بهرامی (۱۳۹۴)، «ترور، تروریسم و تروریسم دولتی»، سمیعی اصفهانی و سالکی (۱۳۹۴)، «تروریسم از دیدگاه اسلام» حاتمی (۱۳۹۰)، «تروریسم: تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم» فیرحی و ظهیری (۱۳۸۷). مقالات و کتب انگلیسی:

“the definition of terrorism”, Shanahan (2016); “state terrorism and counter terrorism”, Primoratz (2013); “State Violence as State Terrorism”, Blakeley (2012); “State Terrorism in the Social Sciences: Theories, Methods and Concepts”, Blakeley (2009); “Terrorism Definitional Problems”, Kingshott (2007); “Terrorism and innocence”, Coady (2004); “Arguing about war”, Walzer (2004); “the terrorism of “ terrorism”, Kapitan (2003); “the causes of terrorism”, Crenshaw (1981).

مقاله حاضر با پرداختن به موضوعات زیر، واجد نوآوری است:

۱. تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی و ابعاد نقض حقوق بین‌الملل در ایران و کشورهای عربی مانند (فلسطین، عراق، سوریه، مصر و لبنان).
۲. پیگرد بین‌المللی عاملان ترور دانشمندان هسته‌ای ایران (رژیم صهیونیستی به عنوان یک تروریست دولتی) براساس قواعد حقوق بین‌الملل.
۳. محورهای رسانه‌ای و تبلیغاتی رسانه‌های غربی، صهیونیستی و عربی در خصوص پاک‌سازی چهره تروریستی رژیم اسرائیل.
۴. محورهای تبلیغاتی رسانه‌های غربی، صهیونیستی و عربی در بحث ترور دانشمندان هسته‌ای ایران.

چارچوب نظری: خشونت ساختاری

خشونت، رفتاری است که می‌تواند به صورت فیزیکی، احساسی، کلامی، نهادی، ساختاری، یا حتی معنوی ظاهر شود. این امر می‌تواند به صورت ظاهری و فیزیکی به شکل مستقیم اعمال شود مانند جنگ‌ها، تجاوزها، کشت و کشتارهایی که هر روزه در سراسر جهان به ویژه غرب آسیا رخ می‌دهد و جان بسیاری از افراد جامعه بشری را تهدید می‌کند. این نوع خشونت می‌تواند در سطوح گوناگون فردی، گروهی، ملی، نهادی و حتی بین‌المللی رخ دهد و در آن از ابزار سخت نظامی برای اعمال خشونت استفاده می‌شود که نتیجه آن نابودی سرزمین‌ها، شهرها، ساختمان‌ها و تاسیسات خواهد بود و انسان‌های بسیاری جان و مال خود را از دست خواهند داد. این نوع از خشونت از دوران بسیار دور در جوامع بشری وجود داشته است و تقریباً امری آشکار و قابل تبیین و تحلیل است. علاوه بر خشونت مستقیم و نظامی می‌توان از نوع دیگری از خشونت سخن گفت که دیدی وسیع و گسترده از خشونت را ارائه می‌دهد و با توجه به آن می‌توان انواع جدیدی از خشونت را درک و تحلیل کرد (دهشیری و بهرامی، ۱۳۹۴: ۷۰). به نظر گالتونگ علاوه بر خشونت مستقیم، نوع دیگری از خشونت به نام «خشونت ساختاری» وجود دارد که این امر را در توصیف نظام سرمایه‌داری به کار می‌برد. او خشونت را بدین صورت تعریف می‌کند: «ایجاد اختلال در نیازهای اساسی انسانی، بشری یا نیازهای مردم در رسیدن به پتانسیل کامل و اختلال در زندگی به حدی که موجب کاهش درجه واقعی پاسخ‌گویی به نیازهای بشر شود». این اظهار گالتونگ، خشونت و تعریف آن را فراتر از یک فرد، گروه و خشونت مستقیم قرار می‌دهد و می‌تواند شامل بی‌عدالتی، تبعیض و استثمار حتی در سطح جهان باشد (دهشیری و بهرامی، ۱۳۹۴: ۷۱). چنین بنظر می‌رسد که خشونت ساختاری مورد توجه گالتونگ، ساختاری عمودی دارد و ضمن توزیع نابرابری‌ها نوعی سرکوب و تجویز از بالا به پایین است. افراد پایین از نیازهای خود محروم شده‌اند و فعالیت و آزادی‌شان سرکوب شده است. گالتونگ اشاره می‌کند که در سیاست جهان می‌توان چهار نوع خشونت را مشاهده کرد: ۱- خشونت کلاسیک: مطرح در نوشته‌های سنتی که ناظر بر صدمه زدن عمدی مثلاً در جنگ، شکنجه یا مجازات‌های غیرانسانی و اهانت‌بار است؛ ۲- محروم کردن افراد از نیازهای مادی اساسی‌شان به سرپناه، پوشاک، خوراک و آب؛ ۳- سرکوب: که به از دست رفتن آزادی‌های انسان برای باورهای خود و ابراز آن‌ها اشاره دارد؛ ۴- از خودبیگانگی: که نوعی از خشونت ساختاری بر ضد هویت و نیازهای غیرمادی انسان مانند همبستگی و ارتباط با دیگران است. از نظر گالتونگ عاملان خشونت با تقسیم-بندی‌ها و تفرقه‌ها مانع

شکل گیری هویت جمعی مشترک و بسیج عقاید بین گروه ها می شوند و هویت آن ها را نیز تهدید می کنند. خشونت ساختاری ناظر بر دومین، سومین و چهارمین نوع خشونت است. لازم نیست خشونت ساختاری بین یک نفر مرتکب و یک نفر قربانی به صورتی مشهود رخ دهد، بلکه ممکن است در دل نظم اجتماعی یا ساختار سیاسی و اقتصادی مستتر باشد (دهشیری و بهرامی، ۱۳۹۴: ۷۱-۷۲).

مفهوم تروریسم و تروریسم دولتی

وزارت دفاع ایالات متحده در سال ۱۹۹۰ میلادی تعریفی که از تروریسم ارائه کرده، عبارت است از: «کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت ها یا جوامع که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می گیرد» (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۴۸). دانش نامه بریتانیکا، تروریسم را چنین تعریف می کند: تروریسم عبارت است از «کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش بینی ناپذیر بر ضد حکومت ها، مردمان یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی است» (حاتمی، ۱۳۹۰: ۲۷). گروهی از نویسندگان نیز به تعریف واژه تروریسم و تروریسم دولتی پرداخته اند: پریموراتر تروریسم را این گونه تعریف می کند: «استفاده عمدی از خشونت یا تهدید به استفاده از آن بر علیه افراد بی گناه با هدف ترساندن آن ها به منظور دستیابی به اهداف سیاسی» (Kapitan, 2003: 48), (Primoratz, 1990: 70); تعریفی که کرنشوا از تروریسم ارائه می دهد بدین صورت می باشد: «تروریسم غالباً به منظور برهم زدن و بی اعتبار کردن پروسه های دولت با تضعیف عملکرد اجرایی آن طراحی شده است»؛ همچنین تروریسم بر نگرش های مثبت و منفی عموم مردم تأثیر می گذارد و هدف آن ایجاد ترس و وحشت در مخاطبانی است که به عنوان دشمن شناخته می شوند» (Crenshaw, 1981: 386-387); اشمید یک تعریف جامع و آکادمیک از تروریسم ارائه داده است: «تروریسم یک روش تداعی کننده از اضطراب برای اقدامات مکرر خشونت آمیزی است که توسط گروه هایی مخفی (نیمه مخفی) از افراد یا بازیگران دولتی به دلایل سیاسی یا جنایی بکار گرفته می شود. بدین ترتیب در مقایسه با ترور، اهداف مستقیم خشونت اهداف اصلی نیستند. قربانیان خشونت انسانی، معمولاً به طور تصادفی یا انتخابی از میان جمعیت هدف انتخاب می شوند» (Kingshott, 2007: 3-4); تعریف تروریسم از دیدگاه ریچاردسون «تروریسم به معنای هدف قرار دادن عمدی و خشونت آمیز غیرنظامیان یا اموال آن ها به منظور گسترش ترس در میان جمعیت جهت دستیابی به اهداف سیاسی» (Walzer, 2004: 36), (Coady, 2004: 39), (Shanahan, 2016: 108); تعریف تروریسم توسط ویلکینسون بدین صورت می باشد: «تروریسم یک برنامه از پیش طراحی شده است و هدف آن ایجاد فضایی آکنده از ترس یا وحشت شدید می باشد؛ تروریسم، ذاتاً شامل حمله به اهداف نمادین و تصادفی از جمله غیرنظامیان است؛ اقدامات خشونت آمیز صورت گرفته توسط جامعه ای که در آن انجام این اقدامات امری بسیار طبیعی است و به معنای واقعی کلمه، آن اقدامات هنجارهای اجتماعی را نقض می کنند و خشم مردم جامعه را برمی انگیزند» (Blakeley, 2009: 4).

تروریسم دولتی به عنوان یکی از انواع تروریسم به معنای به کارگیری و حمایت از این پدیده از سوی یک دولت و یا یک نظام سیاسی است. این نوع از تروریسم از نظر روت بلک لی شامل چهار عنصر کلیدی ذیل می باشد:

۱. بایستی یک عمل عمدی و خشونت آمیز علیه افرادی که دولت وظیفه حفاظت از آنها را دارد، وجود داشته باشد یا تهدید به چنین عملی کرده باشد، مشروط به اینکه دولت از طریق اعمال خشونت آمیز قبلی حالت ترس را به وجود آورده باشد.
۲. عمل ارتكابی، بایستی توسط عاملان دولت یا عاملانی که در ارتباط با دولت هستند، که شامل شبه نظامیان و ماموران امنیتی خصوصی می گردد، انجام گیرد.
۳. عمل و یا تهدید به خشونت، به منظور القا ترس شدید در برخی از افراد مورد نظر که قربانی رامی شناسد، صورت گیرد.
۴. مخاطبانی که مجبور به ملاحظه تغییر در رفتارشان در برخی از شیوه ها گردند (Blakeley, 2012: 3).

تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی و ابعاد نقض حقوق بین الملل

تاکتیک ها و روش هایی که توسط صهیونیست ها برای تثبیت حاکمیت بر فلسطین به کار گرفته می شود روش های کاملاً تروریستی بوده که شامل ترور افراد و بمب گذاری در رستوران ها، اتوبوس ها، بازارها و هتل های فلسطینی ها و گروگان گیری می شود. گروه های تروریستی صهیونیستی سعی می کردند و می کنند با ایجاد هراس و ناامنی، شرایطی را ایجاد کنند تا فلسطینی ها فرار را برماندن در

فلسطین ترجیح دهند. کشتار مردم روستای دیرباسبین نمونه‌ای از صدها موردی است که اکثر ساکنان آن در کمتر از یک ساعت قتل عام شدند و صهیونیست‌ها تعدادی از ساکنان روستا را که جان سالم به در برده بودند اسیر و قتل عام کردند. این نوع ترور سازمان یافته را تروریسم دولتی می‌خوانند. گروه‌های تروریستی پس از خالی کردن شهرها و روستاها از سکنه آن، با بولدوزر این اماکن را تخریب می‌کردند و به جای آن خانه‌های جدید برای اسکان مهاجران می‌ساختند، ارتش رژیم اسرائیل با شرکت در این اعمال تروریستی به گسترش شهرک‌های صهیونیستی کمک شایانی کردند، موضوع شهرک‌سازی صهیونیست‌ها در اراضی اشغالی تا همین روزگار ما نیز یکی از انتقادهایی است که طرفداران غربی رژیم صهیونیستی به او وارد کرده‌اند. شهرک‌سازی در اراضی اشغالی یکی از نمودهای تام و تمام جنایت سازمان یافته بین‌المللی توسط این رژیم بوده و هست (رحمتی، ۱۳۹۹: ۱۴). روی دیگر تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی هجوم ارتش این رژیم به کشورهای همسایه و تلاش برای اشغال اراضی کشورهای دیگر بوده است. ارتش رژیم اسرائیل در راستای روح تروریستی و تجاوزگرانه خود بارها به خاک همسایگانش تجاوز کرده و دست به کشتارهای بی‌رحمانه‌ای زده که به خوبی نشان دهنده خوی تروریستی این رژیم جعلی است. از این دست اعمال تجاوزگرانه و تروریستی می‌توان تجاوز به مصر، اشغال کرانه باختری، اشغال جنوب لبنان و کشتار ساکنان بیروت و صیدا و صور و همچنین قتل عام فلسطینیان بی‌گناه در اردوگاه‌های آوارگان صبرا و شتیلا و یا سرنگون ساختن هواپیمای مسافری لیبیایی و قتل عام ۱۰۹ نفر از مسافران آن و... اشاره کرد (رحمتی، ۱۳۹۹: ۱۴). همچنین بر اساس خشونت ساختاری گالتونگ که قبلاً ذکر شد، باید گفت که این رژیم با اعمال هر چهار نوع خشونت مستقیم و ساختاری مورد نظر گالتونگ از جمله خشونت کلاسیک (صدمه زدن عمدی مثلاً در جنگ، شکنجه، یا مجازات‌های غیر انسانی و اهانت‌بار)، محروم‌سازی افراد از نیازهای مادی اساسی‌شان به سرپناه، پوشاک، خوراک و آب و سرانجام از خودبیگانگی و ضدیت با انسجام هویت و همبستگی ملی فلسطین، در صدد دستیابی به اهداف خود است. این رژیم با چنین اعمالی زمینه انواع خشونت و سرکوب را در منطقه غرب آسیا گسترش داده است که در نتیجه این امر، غرب آسیا همیشه گرفتار تنش و التهاب خواهد ماند و هرگونه توافق داخلی و خارجی برای حل بحران‌های آن، اگرچه ناممکن نباشد، بسیار دشوار و زمان‌بر خواهد بود (دهشیری و بهرامی، ۱۳۹۴: ۸۸).

ترورهای هدفمند رهبران سیاسی حماس اقدامی مغایر با قواعد بین‌المللی شناخته شده است، درحالی که رژیم صهیونیستی نه تنها به این عمل متوسل شده بلکه بطور علنی اعلام کرده است که رهبران حماس و دولت تشکیلات خودگردان را ترور خواهد کرد. در این ارتباط این رژیم به ترور رهبران سیاسی و نظامی حماس اکتفا نکرده و هرکسی را که مورد ظن قرار گرفته، هدف ترور خود قرار می‌دهد (باقری، ۱۳۸۷/۶/۲۳). همچنین این رژیم که بنا به برخی گمانه‌زنی‌ها بیش از ۳۰۰ کلاهک اتمی در اختیار دارد، به شدت با تجهیز هر کدام از کشورهای مسلمان منطقه به انرژی هسته‌ای هم از نوع تولیدی و هم وارداتی مخالف است و اقدامات زیادی برای جلوگیری از دستیابی این کشورها به این انرژی پاک انجام داده است و تمام قراردادهای کشورهای عربی و اسلامی با اروپا و آمریکا را در زمان انعقاد لغو کرده و از سوی دیگر با تروریسم هسته‌ای و ترور دانشمندان فیزیک اتمی در ایران و کشورهای عربی (عراق، سوریه، مصر، لبنان و فلسطین) و تخریب تاسیساتشان مانع از توسعه فن‌آوری‌های بومی آن‌ها در این زمینه شده است. کارنامه ۷۲ ساله این رژیم در ترور شخصیت‌ها، دانشمندان و مبارزان مسلمان منطقه، سیاه و تاریک است. بنابراین ترور دانشمندان و نخبگان هسته‌ای و رهبران سیاسی حماس به مثابه نقض قواعد و هنجارهای حقوق بشردوستانه از جمله اصل تفکیک و مشارکت مستقیم در مخاصمات مسلحانه محسوب می‌گردد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸/۷/۲۴). اما در خصوص این نقض‌های فاحش، حقوق بدیهی انسان‌ها و این تروریسم دولتی که در حال صورت گرفتن بوده و اینک نیز ادامه دارد، واکنش فقط در یک کلمه خلاصه می‌شود؛ سکوت. البته شاید این مباحث تبدیل به یک امر عادی و طبیعی شده است که چندان وجدان‌های آگاه و بیدار را به سمت خود سوق نمی‌دهد. همان‌طور که رهبر انقلاب در گزاره‌ای استقامتی بیان داشتند «این تصاویر فقط به این علت که شصت سال مکرراً از صفحه تلویزیون‌ها دیده شده، دیگر نباید وجدان ما را تحریک کند»، مراد این است که یک امر ناهنجار و متناقض با طبیعت حقوق بین‌الملل و حقوق بشر تبدیل به یک امر هنجاری، عادی و معمول شده و به این دلیل است که حساسیت‌های انسانی را در پی ندارد. علی‌رغم ماهیت کاملاً ضد بشری سیاست‌ها و فعالیت‌های این رژیم و ماهیت این تروریسم که از آن می‌توان به وحشی‌ترین تروریسم یاد کرد که با حمایت تمام زیرساخت‌های اجتماعی و سیاسی حکومتی و عقلانیت پشتوانه بوروکراسی همراه است، واکنشی که به این موضوع نشان داده شده، واکنش متناسبی نبوده است تا قدرت بازدارندگی داشته باشد و این نوع تروریسم دولتی را خنثی کرده و از بین ببرد (رحمتی، ۱۳۹۹: ۱۵). قواعد حقوق بشری به دلیل برخورداری از اصول بنیادین بشری در همه زمان‌ها و مکان‌ها قابل اعمال و غیرقابل

چشم پوشی است. بر این اساس، رژیم اسرائیل - صرف نظر از هرگونه مناقشه مسلحانه - در برخورد با ساکنان و اتباع آن سرزمین، چه به طور کلی و چه در جریان اعاده و حفظ نظم و امنیت در برابر ناآرامی ها و اغتشاشات، از منظر استانداردهای بین المللی حقوق بشر دارای تکالیف و تعهداتی است که هیچ بهانه ای، عدول و سرپیچی از آن استانداردها را توجیه نمی کند و بر این اساس این رژیم نه تنها در برابر ساکنان بومی بلکه در قبال جامعه بین المللی نیز پاسخ گو خواهد بود. «جرمی هاموند» تحلیل گر سیاسی و نویسنده آمریکایی از ایالت میشیگان ضمن اشاره به جنایات شنیع و هولناک رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین به خصوص زندانیان، تاکید کرد: «موارد نقض حقوق بشر توسط تل آویو به طور گسترده ای مستند است؛ حتی بازداشت فلسطینی ها در سرزمین های اشغالی و انتقال آن ها به اسرائیل برای حبس و شکنجه، نقض قواعد بین المللی می باشد» (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶/۲/۲۴). بنابراین موارد نقض قواعد حقوق بشر توسط رژیم اسرائیل شامل حق تعیین سرنوشت، حق حیات، حق آزادی و امنیت شخصی، حق اشتغال، بهداشت و رفاه، حق آزادی مسافرت و اقامت در کشور خود و ترک و بازگشت به آن می باشد. همچنین قواعد حقوق بشردوستانه شامل قواعد عرفی، کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷ می شود. معاهده نخست ژنو در مورد بهبود وضعیت مجروحان و بیماران جنگ های زمینی، معاهده دوم ژنو درباره بهبود وضعیت مجروحان و بیماران و غرق شدگان در جنگ های دریایی، معاهده سوم ژنو راجع به رفتار با اسرای جنگی و معاهده چهارم ژنو ناظر به حمایت از افراد غیر نظامی در اثنای جنگ است. با تصویب دو پروتکل الحاقی به قراردادهای چهارگانه ژنو در ۱۹۷۷ نه تنها خلا ناشی از فقدان قاعده برای حمایت از مردم غیر نظامی پر شد، بلکه اصل اساسی مصونیت جمعیت های غیر نظامی در قبال مخاصمات مسلحانه هم تثبیت شد و مهم تر از همه، اصلی دیگر که نتیجه مستقیم اصل مصونیت جمعیت های غیر نظامی است یعنی اصل تفکیک رزمندگان از اشخاص غیر نظامی تایید و تصدیق گردید. رژیم صهیونیستی علی رغم جعلی بودن آن، به عنوان پنجاه و نهمین عضو سازمان ملل و متعهد به منشور ملل متحد است و امضاء کننده کنوانسیون های چهارگانه ژنو می باشد. همچنین این رژیم در سال ۱۹۵۱ به عضویت کنوانسیون چهارم درآمده است؛ بر اساس این کنوانسیون، این رژیم اشغال گر نسبت به سرزمینی که در اختیار و تحت اشغال آن است وظایفی در قبال مردم آن سرزمین اشغال شده دارد. صلیب سرخ نیز موید این مساله است که می بایستی مقررات کنوانسیون های ژنو به اجرا گذاشته شود. مجمع عمومی سازمان ملل نیز قطعنامه هایی صادر کرده است که در آن عنوان می کند که قوانین در مورد سرزمین اشغالی فلسطین از جمله بیت المقدس پس از ۱۹۶۷ قابل اجراست. شورای امنیت نیز قطعنامه هایی از جمله ۲۷۱ و ۴۴۶ صادر می کند که بر اساس آن یکی از وظایف رژیم اسرائیل اجرای کنوانسیون چهارم ژنو است؛ همچنین طبق قطعنامه ۶۷۱ (۲۰ دسامبر ۱۹۹۰) دولت های عضو کنوانسیون باید مراقب باشند رژیم اسرائیل به تکالیفی که بر اساس کنوانسیون برعهده گرفته عمل کند و این رژیم را وادار به انجام آن ها نماید (باقری، ۱۳۸۷/۶/۲۳). بنابراین موارد نقض قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه توسط رژیم صهیونیستی عبارتند از: نقض اصل تفکیک، نقض اصل ممنوعیت هرگونه تعرض به اشخاص و اماکن غیر نظامی، نقض آزادی بیان (حمله به خبرنگاران)، نقض اصل ممنوعیت حملات کورکورانه، نقض قواعد مربوط به حضور صلیب سرخ در میدان جنگ، گرسنگی اجباری و جلوگیری از دسترسی به کمک های بشردوستانه، نقض اصل تناسب، نقض اصل ممنوعیت توسل به اقدامات تلافی جویانه، نقض اصل ممنوعیت استفاده از سلاح های ممنوعه و ترورهای هدفمند.

پیگرد بین المللی عاملان ترور دانشمندان هسته ای ایران براساس قواعد حقوق بین الملل

تا یک دهه پیش، نظریه های مختلفی درباره این که چه کسی پشت پرده ترور دانشمندان هسته ای ایران می باشد، وجود داشت. برخی موساد و برخی سیا را عامل آن می دانستند. این بحث ها در سطح رسانه ای به شدت جریان داشت؛ مثلاً نشریه آلمانی اسپیگل در گزارشی از وجود اسنادی خبر داده بود که دست داشتن سازمان اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در ترور داریوش رضایی نژاد از دانشمندان هسته ای ایران را نشان می داد. مجله فارین پالیسی هم در گزارشی اعلام کرد که مدارک به دست آمده نشان می دهد ماموران موساد با جا زدن خود به جای ماموران سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در تلاش بوده اند تا اعضای گروهک تروریستی جندالله را برای انجام عملیات تروریستی در ایران به خدمت بگیرند (کرباسی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰). با گذشت زمان، نقش رژیم صهیونیستی در ترور دانشمندان هسته ای ایران قطعی شد. همان گونه که قبلاً ذکر شد، در تاریخ ۷ آذرماه ۱۳۹۹ مصادف با ۲۷ نوامبر ۲۰۲۰، دکتر شهید محسن فخری زاده یکی از برجسته ترین دانشمندان هسته ای ایران و رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع، در حوالی تهران، هدف حمله عوامل تروریستی قرار گرفت و به فیض شهادت نائل آمد. اصلی ترین مظنون و متهمین ترور دانشمند مطرح هسته ای ایران، رژیم صهیونیستی است. در خصوص پیگرد بین المللی ترور دانشمندان هسته ای باید گفت که ایران حق دارد این موضوع را در

مجامع بین‌المللی پیگیری کند. از آن‌جا که حداقل انتظار از سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل، شورای حقوق بشر و شورای حکام آژانس در خصوص اقدامات تروریستی نیز این است که ترور دانشمندان ایرانی را محکوم کرده و اقدامات لازم را برای جلوگیری از رخداد مجدد این ترورها اتخاذ نمایند. در این میان صدور بیانیه از سوی شورای امنیت برای دعوت دولت‌ها به همکاری با ایران در شناسایی عاملان و آمران ترور و نیز درخواست تشکیل هیأتی حقیقت‌یاب از سوی دبیر کل و یا حتی ایجاد دادگاه کیفری ویژه جهت بررسی ترور دانشمندان هسته‌ای ایران از جمله محورهایی است که ایران می‌تواند با جدیت پیگیری نماید و یا این‌که ایران می‌تواند از سازمان ملل و دبیر کل آن درخواست نماید که پیرامون این ترور و نیز ترورهای پیشین دانشمندان ایرانی، تحقیقات ویژه و مستقلى صورت داده و کارگروهی ویژه را برای تحقیق و بررسی این ترورهای غیرقانونی و مغایر با حقوق بشر، حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه تشکیل دهد. بنابراین، ایران می‌تواند موضوع ترور دانشمندان هسته‌ای را در شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل مطرح کرده و درخواست محکومیت ترورها را ارائه نماید و اگر دلایل محکمه‌پسندی برای انتساب این عمل توسط عوامل خارجی نظیر رژیم صهیونیستی داشته باشد، دستگاه دیپلماسی ایران می‌تواند با تنظیم شکایتی علیه رژیم صهیونیستی این اقدام را به صورت حقوقی در شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل محکوم نماید، گرچه نیز ممکن است به دلیل لابی‌های قدرتمند این رژیم در شورای امنیت، این شکایت توسط آمریکا و تو گردیده و به نتیجه نرسد. در این میان متأسفانه دولت ایران هنوز عضو کنوانسیون منع و سرکوب بمب‌گذاری تروریستی سال ۱۹۹۷ نشده است و علی‌رغم این‌که ترورهای دانشمندان هسته‌ای ایران از موضوعات مندرج در کنوانسیون و از مصادیق بمب‌گذاری محسوب می‌شود، ولی ایران به دلیل عدم عضویت نمی‌تواند به آن استناد نماید (منتظران، ۱۳۹۹/۹/۱۹).

محورهای تبلیغاتی رسانه‌های غربی، صهیونیستی و عربی در بحث ترور دانشمندان هسته‌ای ایران

رسانه‌های غربی، عربی و عبری در موضوع ترور دانشمندان هسته‌ای ایران توسط رژیم صهیونیستی، مواضع مشابهی اتخاذ کرده‌اند. رسانه‌های آمریکایی از جمله روزنامه نیویورک تایمز به طور صریح به نقش رژیم صهیونیستی در ترور دکتر محسن فخری زاده دانشمند برجسته هسته‌ای و صنعت دفاعی ایران که در سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۰) رخ داد، اشاره داشتند؛ همچنین این رسانه مدعی شد که در نبود دکتر محسن فخری‌زاده، پیشرفت برنامه نظامی هسته‌ای ایران با مشکل مواجه خواهد شد (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹/۹/۱۵). این امر اهمیت شهید محسن فخری‌زاده را در پیشرفت برنامه نظامی و هسته‌ای ایران نشان می‌دهد. پایگاه آمریکایی «ان پی آر» نیز این‌گونه می‌نویسد که «این اقدام باعث خشم مردم ایران شده و نگرانی آمریکا را بابت انتقام گرفتن ایران افزایش داده است». این رسانه بر خشم مردم ایران از تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی و حمایت آمریکا از آن تأکید می‌کند و به امکان و احتمال انتقام‌گیری ایران اشاره دارد. لس آنجلس تایمز یکی دیگر از رسانه‌های آمریکایی در گزارشی می‌نویسد: «جلوگیری از بازگشت به برجام و دیپلماسی در دوره بایدن یکی از اهداف این ترور بوده است» (اقتصاد نیوز، ۱۳۹۹/۹/۹). این گزارش به جلوگیری از بازگشت دولت آمریکا به برجام و مذاکره با ایران و رفع تحریم‌ها اشاره دارد. خبرگزاری آمریکایی «ان بی سی» نیز در فوریه ۲۰۱۲ به نقل از یکی از فرماندهان ارتش آمریکا، به دست داشتن سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی در ترور دانشمندان هسته‌ای ایران اذعان کرد و نوشت که «ماموران موساد، اعضای گروهک تروریستی منافقین را برای ترور افراد مشخصی آموزش می‌دهند و واشنگتن به طور کامل در جریان این عملیات محرمانه قرار دارد» (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۹/۹/۹). بنابراین رژیم صهیونیستی گروهک تروریستی منافقین را با کمک دولت آمریکا استخدام و آموزش می‌دهد تا اشخاص مهم و کلیدی ایران را ترور نمایند. نشریه آلمانی پرتیراژ «بیلد» نیز این‌گونه نوشت که: «رژیم اسرائیل به عنوان مظنون اصلی این حمله شناخته می‌شود و این موضوع کار را برای مقامات رژیم صهیونیستی دشوار خواهد کرد. در حال حاضر رژیم اسرائیل نه تنها باید با حملات تلافی‌جویانه از سوی ایران مقابله کند، بلکه باید مراقب تهدیدهای طرفداران ایران در کشورهای همسایه خود نیز باشد» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹/۹/۱۵). بر این اساس می‌توان گفت که رژیم اسرائیل مسئول و مظنون اصلی حملات تروریستی دانشمندان ایرانی و عربی است و این رژیم به صورت غیر مستقیم (تلویحی) دست داشتن در این حملات را تأیید کرده است همچنین اسرائیل از حمله ایران و تهدیدات همسایگان آن ترس و وحشت دارد. نشریه فرانسوی آتلانتیکو نوشت: «رژیم اسرائیل از این ترور دو هدف دارد. نخست آن‌که می‌خواهد برنامه هسته‌ای ایران را به تاخیر انداخته و یا ضربه جدی به آن وارد کند؛ در صورتی که نه ترور دیگر دانشمندان در دهه گذشته و نه حملات سایبری مانند استاکس نت نتوانسته برای همیشه به آن پایان دهد. دوم آن‌که، رژیم اسرائیل امیدوار است اقدامات تلافی‌جویانه ایران، بهانه لازم برای حملات گسترده به سایت‌های هسته‌ای ایران در آخرین روزهای باقی مانده دوره ریاست جمهوری ترامپ فراهم

کند» (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۹/۹/۹). این امر حاکی از آن است که اسرائیل با کمک دولت آمریکا در پی حمله و آسیب رساندن به تاسیسات هسته‌ای ایران می‌باشد. نشریه انگلیسی گاردین نیز در گزارشی نوشت: «مقام‌های ایران با توجه به قتل کارشناسان هسته‌ای این کشور به سرعت رژیم اسرائیل را مسئول مرگ فخری‌زاده دانستند، اما تحلیل‌گران آمریکایی و منطقه می‌گویند اگر رژیم اسرائیل در این ترور دست داشته، این عمل را پس از موافقت ترامپ انجام داده است». در گزارش گاردین نیز آمده است: «این توضیح به چند دلیل منطقی است. همچون ترور سردار قاسم سلیمانی، ترور اخیر نیز یک اقدام فوق‌العاده تحریک کننده است. این ترور از این نظر به منزله اعلام جنگ است. هیچ مقام رژیم صهیونیستی، حتی فردی به بی مسئولیتی بنیامین نتانیاهو، چنین اقدام خطرناکی را بدون مشورت با واشنگتن انجام نمی‌دهد» (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۹/۹/۹). همچنین شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد: «ترور فخری‌زاده به فهرست طولی از ترور دانشمندان هسته‌ای ایران اضافه می‌شود که به عنوان چالشی بزرگ در زمینه مقابله با توسعه برنامه هسته‌ای ایران تبدیل شده بودند». این رسانه مدعی شد از دست رفتن فخری‌زاده می‌تواند زیان بزرگی برای نظام ایران بعد از ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران، محسوب شود (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹/۷/۷). بر این اساس می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که ترور دکتر محسن فخری‌زاده همانند ترور "سردار شهید سلیمانی" تحریک کننده و به منزله اعلام جنگ می‌باشد. همچنین این رژیم گمان می‌کند که با ترور این دانشمند عالی قدر همانند ترور "سردار شهید سلیمانی" می‌تواند به نظام جمهوری اسلامی ایران لطمه وارد کند. محور تبلیغاتی شبکه بی بی سی در خصوص ترور دکتر محسن فخری‌زاده، نگرانی‌ها درباره کاهش تعهدات برجامی و افزایش ذخایر اورانیوم در ایران می‌باشد و این که این رژیم غاصب نام دکتر محسن فخری‌زاده را در فهرست سرویس‌های جاسوسی غرب قرار داده بود. به نقل از روسیا الیوم، عربستان سعودی به حادثه ترور شهید محسن فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران واکنش دیر هنگامی نشان داد. در همین راستا، عبدالله المعلمی نماینده دائم عربستان سعودی در سازمان ملل، در سخنانی مداخله-جویانه مدعی شد: «ایران باید حسن نیت خود را در اهداف و مقاصد برنامه هسته‌ای اش ثابت کند تا دانشمندان و شهروندان ایران در معرض خطر قرار نگیرند. ایران باید برنامه هسته‌ای خود را تحت اراده بین‌المللی قرار دهد!» (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۹/۹/۱۱). طبق این سخنان می‌توان گفت که دیرواکنش نشان دادن عربستان سعودی نسبت به ترور دانشمند هسته‌ای ایران به منزله ترس و وحشت این کشور از پیشرفت هسته‌ای ایران می‌باشد. در گزارشی که در اکتبر ۲۰۱۵ از سوی رسانه عراقی «ساسة پست» منتشر شد، از ترور ۵۳ دانشمند عراقی و ناپدید شدن ۲۷ نفر دیگر در آن سال خبر داده شد. این امر دلالت بر این دارد که موساد با استفاده از تسهیلات و دستگاه‌ها و سیستم‌هایی که آمریکایی‌ها در اختیار آن‌ها گذاشته بودند و با دریافت اطلاعاتی درباره دانشمندان عربی (عراقی، مصری، فلسطینی، لبنانی و سوری) به ترور آن‌ها مبادرت کردند. هدف آن‌ها منع دستیابی کشورهای عربی به انرژی هسته‌ای می‌باشد.

محورهای رسانه‌ای و تبلیغاتی رسانه‌های غربی، صهیونیستی و عربی در خصوص پاک‌سازی چهره تروریستی رژیم اسرائیل

اقدامات خشونت‌آمیز نیروهای رژیم صهیونیستی برای متوقف کردن تظاهرات علیه حکم یک دادگاه در تایید اخراج کردن فلسطینی‌ها از خانه‌هایشان، با یک سکوت کرکننده مواجه شده است. همچنین پلیس رژیم اسرائیل با یک حمله خشونت‌آمیز به محله شیخ جراح، تجمعات شب زنده داری فلسطینی‌ها را در هم شکسته و فعالان تحصن کننده معترض به آواره ساختن آوارگان فلسطینی ساکن منطقه را که بسیاری از آن‌ها از خانه‌هایشان اخراج شده بودند، مورد ضرب و شتم قرار داده است. هم اکنون یک پاک‌سازی قومی در جلوی دیدگان جهان در این محله که اکثراً فلسطینی نشین هستند، در جریان است. اما رسانه‌های آمریکایی مانند نیویورک تایمز، ان.بی.آر، سی.ان.ان و مجله تایم در قبال حوادث صورت گرفته در محله شیخ جراح هیچ واکنشی نشان نداده‌اند. در عوض آن‌ها عمدتاً بر ناتوانی رژیم اسرائیل در تشکیل یک دولت، متمرکز هستند. در مواردی که برخی از این رسانه‌ها مانند آسوشیتد پرس به پوشش اخراج فلسطینی‌ها از خانه‌هایشان و خشونت تحمیل شده به ساکنان این محله می‌پردازند، این مساله همچون یک مناقشه شبه تجاری بین دو طرف به تصویر کشیده شده و به عنوان یک "نزاع حقوقی طولانی مدت" بین فلسطینی‌ها و شهرک‌نشینها توصیف می‌شود. آن‌ها به راحتی تحت قوانین بین‌المللی دادگاه‌های رژیم اسرائیل، مسئله اسکان دادن غیرنظامیان در اراضی اشغالی فلسطینی که ناقض قواعد انسان دوستانه بین‌المللی است را نادیده می‌گیرند (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۴۰۰/۲/۱۸). با توجه به نحوه برخورد رسانه‌های آمریکایی و سوابق پوشش شان از اشغال‌گری‌های صهیونیست‌ها علیه فلسطینی‌ها این که رخدادهای محله شیخ جراح در این رسانه‌ها پوشش پیدا نکند، چندان تعجب آور نیست؛ این رسانه‌ها حتی هنگامی که اوباش‌های رژیم صهیونیستی با

شعار مرگ بر اعراب راهپیمایی می‌کنند تنها از لفظ "درگیری‌ها" استفاده می‌نمایند یا به طرز غلط سطح خشونت بین اشغال‌گر و قربانی اشغال‌گری را معادل سازی می‌کنند یا دائماً خشونت رژیم صهیونیستی را به عنوان "دفاع شخصی" حتی با وجود بارز بودن وقوع حمله توجیه می‌نمایند. بنابراین، رسانه‌های آمریکایی به خوبی می‌دانند که اگر هیچ‌گونه تبعاتی برای اخراج فلسطینی‌ها از خانه‌هایشان و آواره ساختن آن‌ها وجود نداشته باشد، مطمئناً هیچ تبعاتی نیز برای رسانه‌هایی که این جرایم را پاک می‌کنند، وجود نخواهد داشت» (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۴۰۰/۲/۱۸). خبرگزاری‌های مشهور غربی وحشی‌گری آشکار رژیم اسرائیل را "درگیری" و "مشاجره" بین دو طرف قلمداد می‌کنند. آن‌ها از این واژه‌ها برای بیان آرام خشونت رژیم اسرائیل به کار می‌برند. عملیات پاک‌سازی قومی رژیم اسرائیل در بیت المقدس شرقی اشغالی، فرصتی دیگر برای رسانه‌های غربی پدید آورد تا از واژگان مورد علاقه خود برای پوشش آنچه در محله شیخ جراح اتفاق افتاد، استفاده کنند (همشهری آنلاین، ۱۴۰۰/۲/۲۲). نیروهای امنیتی رژیم اسرائیل به نمازگزاران فلسطینی در مسجد الاقصی حمله کردند و آن‌ها را با گلوله‌های فلزی که روکش لاستیکی دارند و بمب‌های آتش‌زا مورد هدف قرار دادند؛ در نتیجه، صدها نفر از فلسطینیان زخمی و تعدادی نیز کشته شدند. همه این حملات برای رسانه‌های غربی چیزی بیش از یک مشاجره نیست. گزارش‌های واشنگتن پست، ای بی سی نیوز، گاردین و فاکس نیوز نیز آنچه را که اتفاق می‌افتد، درگیری و مشاجره بین طرف‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی توصیف می‌نمایند. در مورد بی بی سی نیز این فجایع به این صورت است که "تقابل" بین فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها، پلیس رژیم اسرائیل را وادار به پرتاب بمب‌های آتش‌زا کرد تا در "پاسخ" به تحریکات فلسطینی‌ها اقدامی مناسب انجام دهد. رویترز نیز در خصوص حمله به خودروی تصادف کرده یک صهیونیستی گزارش داد در حالی که ماشین این شخص در حال زیر گرفتن فلسطینی‌ها در قدس شرقی بود و به عمد روی جدول رفت! نیویورک تایمز نیز در مقاله‌ای به برخورد پلیس رژیم اسرائیل با معترضان فلسطینی پرداخت و به نقل از وزارت خارجه رژیم اسرائیل گفت که تشکیلات خود گردان فلسطین و تروریست‌های فلسطینی "اختلاف‌املاک و مستغلات بین حزبی پیدا کرده‌اند و این یک حرکت ملی‌گرایانه به منظور تحریک خشونت در اورشلیم ایجاد کرده است". البته در واقع، کل "درگیری" رژیم اسرائیل و فلسطین، منطقه شیخ جراح است؛ "اختلافی در مورد املاک و مستغلات" که در آن طرفی که در سال ۱۹۴۸ قسمت عمده‌ای از املاک و مستغلات فلسطین را با خشونت غصب کرده است و همچنان به این اشغال غیرقانونی خود ادامه می‌دهد، برای توجیه ترور، کشتار و اخراج آن‌ها، فلسطینیان را به عنوان تروریست معرفی می‌کند (همشهری آنلاین، ۱۴۰۰/۲/۲۲). شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توییتر و... تحت مدیریت آمریکا و کشورهای غربی نیز همگام با اشغال‌گران صهیونیست به حمایت از جنایات این رژیم علیه فلسطینیان در غزه و سرپوش گذاشتن بر آن‌ها پرداختند. از زمان آغاز درگیری در فلسطین اشغالی که با یورش صهیونیست‌ها به محله‌های قدس و مسجد الاقصی شروع و در ادامه با جنایات رژیم اشغال‌گر صهیونیستی علیه غیرنظامیان در نوار غزه همراه شد، کاربران فلسطینی و نیز سایر کاربران حامی فلسطین در سراسر جهان را به انتشار مطالب و تصاویری در محکومیت جنایات رژیم اسرائیل و حمایت از فلسطینیان وادار کرد. اما مدتی بعد مشخص شد این مطالب حذف یا سانسور می‌شوند (جامعه خبری تحلیلی الف، ۱۴۰۰/۳/۵). این در حالی است که بنا به گزارش فعالان رسانه‌ای، فلسطینیان از فرصت برابر جهت بیان روایت خود در رسانه‌های اصلی آمریکا محروم هستند. اما طرفداران رژیم اسرائیل که تحت حمایت رسانه‌های رسمی کشورهای غربی و ایالات متحده می‌باشند، در پوشش اخبار مربوط به جنگ میان رژیم اسرائیل و فلسطین قرار دارند. در همین زمینه شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی در جریان این جنگ در سرزمین‌های اشغالی با به تعلیق درآوردن و یا مسدود کردن حساب‌های کاربرانی که جنایات جنگی رژیم اسرائیل علیه فلسطینیان را به تصویر می‌کشیدند، صدای ملت فلسطین و حامیان آن‌را در فضای اینترنت سرکوب می‌کنند. (جامعه خبری تحلیلی الف، ۱۴۰۰/۳/۵). این موارد نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی و حامیان آن در قسمت مدیریت شبکه‌های اجتماعی نفوذ بالایی دارند. دو رسانه عرب زبان «العربیه» و «الحدث» عربستان سعودی به طور ناچونامردانه از جنایات رژیم صهیونیستی در نوار غزه حمایت تبلیغاتی کرده و با دعوت از کارشناسان عرب و صهیونیست سعی در مقصر جلوه دادن گروه‌های مقاومت اسلامی فلسطین به ویژه حماس و جهاد اسلامی و «وارونه نمایی» این جنگ نابرابر و ناچونامردانه داشتند. این دو رسانه، با به کارگیری شگردهای تبلیغاتی که در جنگ‌های روانی و تبلیغاتی مرسوم است، تلاش می‌کردند در وهله نخست، درگیری بین فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی را درگیری بین رژیم صهیونیستی و حماس بازنمایی کنند و از رهگذر چنین انگاره سازی ناراستی به این استنتاج القائی برسند که حماس مقصر است و در این جنگ تشکیلات خودگردان را نادیده گرفته و از آن عبور کرده و خود علیه رژیم صهیونیستی اعلام جنگ کرده است و در نتیجه مسئول تبعات آن نیز به شمار می‌رود (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۰/۲/۲۶). در وهله دوم نیز این

رسانه‌ها تلاش می‌کنند با القای این که گروه‌های مقاومت آغازگر این جنگ هستند، جنایت‌های رژیم صهیونیستی را در موضع دفاعی تعریف و محدود کنند و پخش تصاویر مربوط به این جنگ را نیز در این چارچوب قرار دهند. در وهله سوم نیز ارگان‌های تبلیغاتی رژیم سعودی با «قیاس نادرست» بین دو طرف درگیری، به دروغ وانمود می‌کنند که گروه‌های فلسطینی مناطق مسکونی و غیر نظامی را هدف قرار داده است، اما رژیم صهیونیستی اهداف نظامی و وابسته به گروه‌های مقاومت فلسطین و نه مردم غزه را هدف حملات خود قرار می‌دهد. در واقع رسانه‌های سعودی در چارچوب وارونه‌نمایی در صدد هستند تا جای «جلاد» و «قربانی» را عوض کنند. همچنین این رسانه‌ها در تلاشند تا از پخش تصاویر شهدای فلسطینی و مراکز غیر نظامی منهدم شده در غزه پرهیز نمایند. همچنین آن‌ها از پخش تصاویر بسته و با نمای نزدیک از غزه احتراز و بر پخش تصاویر باز و با نمای دور و انفجارهای ناشی از حملات رژیم صهیونیستی با هدف قدرتمندنمایی این رژیم متمرکز هستند. همچنین این رسانه‌ها بر پخش تصاویری که گفته می‌شود متعلق به رهگیری موشک‌های مقاومت توسط سامانه‌های دفاع هوایی رژیم صهیونیستی موسوم به «گنبد آهنین» است، تمرکز کرده‌اند تا این گونه وانمود کنند که حملات موشکی مقاومت بر رژیم اسرائیل بی نتیجه است (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۰/۲/۲۶). وبسایت و صفحات مجازی شبکه العربیه همچنین از به کار بردن لفظ شهید برای کشته شدگان غزه خودداری می‌کنند و کاربران بارها در ذیل خبرهای این شبکه از این موضوع ابراز خشم کرده‌اند. همچنین با نگاهی به صفحه توئیتر شبکه العربیه عاجل، الحدث و العربیه با انبوهی از پوشش مواضع رژیم صهیونیستی، پوشش ویدیویی حملات این رژیم علیه مواضع حماس و همچنین مواضع کشورهای غربی که علیه حماس و گروه‌های مقاومت است، مواجه می‌شویم. در همین حال العربیه در بحبوحه خبرهای جنگ غزه، تبلیغ و حملات رسانه‌ای علیه ایران و محور مقاومت را نیز فراموش نکرده به طوری که یکی از کاربران ذیل یکی از خبرهای العربیه نوشته است که این رسانه تلاش دارد با ایران ایران گفتن و دشمن جلوه دادن ایران، رژیم صهیونیستی را مثبت جلوه داده و برای این رژیم مشروعیت بترشد (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰/۲/۲۴).

نتیجه گیری

اگرچه ترور، پیشینه دیرینه دارد ولی در نیمه دوم قرن بیستم به ابزاری جهت پیشبرد اهداف سیاسی دولت‌ها تبدیل شد. یکی از عواملی که مفهوم تروریسم را به چالش کشانده است، برخورد دوگانه دولت‌های غربی مانند آمریکا و دیگر متحدانش در مبارزه با تروریسم است. نکته دیگر این که دولت‌های غربی و کشورهای غیر متعهد و بلوک شرق یکدیگر را به سنگ اندازی در راه تعریف واژه تروریسم متهم می‌کردند. اما ظاهراً بلوک غرب تمایل چندانی به تعریف دقیق این واژه نداشته‌اند، مگر این که دیدگاه‌ها و نظرات خودشان در آن تعریف گنجانده شود. از آن‌جا که دولت‌ها در چارچوب قوانین داخلی خود فعالیت می‌کنند، در صورت ضرورت برای برقراری نظم، دست به اقداماتی با خصوصیات تروریستی می‌زنند. بنابراین، تصمیم به این که چه چیزی در گستره تعریف تروریسم یا تروریست‌ها قرار گیرد و چه چیزی خارج از آن شناسایی شود، به منافع دولت‌های قدرتمند بستگی دارد. شاید یکی از دلایلی که باعث شده تا تعریفی جامع و کامل از تروریسم ارائه نشود، این باشد که دولت‌های غربی نمی‌خواهند با معنی کردن تروریسم زیر بار تعهد و مسئولیت بروند. با وجود مشکلاتی که بر سر راه تعریف تروریسم وجود داشت، گروهی از نویسندگان از جمله پرایموراز، کرانشاو، اشمید، ریچاردسون و ویلکینسون تعاریفی از تروریسم را ارائه داده‌اند که شامل استفاده عمدی و خشونت‌آمیز یا تهدید به استفاده از آن علیه افراد بی‌گناه با هدف ترساندن آن‌ها به منظور دستیابی به اهداف سیاسی می‌باشد. در مجموع می‌توان این تعریف را از تروریسم ارائه داد: «تروریسم عبارت است از به کار بردن وسایل غیرقانونی خشونت‌بار برای اعمال فشار علیه دولت به منظور رسیدن به اهداف خاص. وسایل غیرقانونی مزبور عموماً باعث ایجاد خوف و وحشت می‌شوند و اهداف خاص مذکور نیز شامل اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره می‌گردد». تروریسم دولتی به عنوان یکی از انواع تروریسم به معنای دخالت دولت یا دولت‌هایی در امور داخلی یا خارجی دولتی دیگر که به منظور ایجاد رعب و وحشت، به وسیله اجرا یا مشارکت در عملیات تروریستی یا حمایت از عملیات نظامی برای زوال، تضعیف و براندازی دولت مذکور یا کل دستگاه حاکمه آن کشور انجام می‌شود. کمک‌های مادی (کمک‌های نظامی) و معنوی (حمایت سیاسی) به گروه‌های مخالف و مشارکت در عملیاتی چون بمب‌گذاری، مین‌گذاری و بنادر و سواحل، آدم ربائی، هواپیمادزدی و ترور مقام‌های عالی مملکتی و دانشمندان هسته‌ای نمونه‌هایی از تروریسم دولتی است. رژیم صهیونیستی نمونه بارز تروریسم دولتی است. این رژیم که از همان آغاز با کمک قدرت‌های بزرگ پا به عرصه وجود نهاد و بر اساس آموزه‌های نژادپرستی و برتری طلبی که از آموزه‌های دینی و سابقه تاریخی یهودیت نشأت گرفته است، سیاست خارجی و رفتار خود

را بر اصول توسعه طلبی و خشونت طلبی تنظیم می‌کند. این رژیم اعمال و اقدامات خشونت‌آمیز مستقیم و غیرمستقیم بی‌شماری در جهت رسیدن به منافع و اهدافش انجام داده و می‌دهد. از اقدامات و جنایات‌های مستقیم این رژیم می‌توان به کشتار مسجدالاقصی (۱۹۹۰)، کشتار بیت حانون (۲۰۰۶)، کشتار اردوگاه جنین (۲۰۰۲)، کشتار حرم ابراهیمی (۱۹۹۴)، بازداشت کودکان فلسطینی، حمله به اردوگاه صبرا و شتیلا (۱۹۸۲)، کشتار دیر یاسین (۱۹۴۸)، حمله به روستای قانا (۱۹۹۶) و... اشاره کرد. این رژیم همچنین با ترور دانشمندان و کارشناسان فعال در برنامه‌های هسته‌ای ایران و کشورهای منطقه غرب آسیا، درصدد حفظ برتری نظامی خود و انحصار سلاح هسته‌ای در منطقه می‌باشد. تاکنون شمار زیادی از دانشمندان هسته‌ای ایران و کشورهای اسلامی (عراق، سوریه، مصر، لبنان و فلسطین) به دست سازمان اطلاعاتی رژیم صهیونیستی (موساد) به شهادت رسیده‌اند که آخرین مورد آن، ترور شهید دکتر محسن فخری‌زاده، از دانشمندان برجسته هسته‌ای ایران، می‌باشد. بنابراین این رژیم منحوس با تهاجم به غیرنظامیان، کشتار زنان و کودکان بی‌پناه غزه، تخریب اموال غیرنظامی، استفاده از سلاح‌های ممنوعه، عدم رعایت اصل تفکیک و اصل منع ایراد رنج و درد غیرضروری و استفاده از سلاح‌های فشری، سلب حق حیات، مسکن، حق آموزش، حق آزادی تردد، حق تعیین سرنوشت و حق بهره‌مندی از غذا، دارو به نقض هدفمند قواعد حقوق بشردوستانه و حقوق بشر درباره مردم غزه مبادرت کرده است.

منابع

- ۱) رحمتی، رضا. (۱۳۹۷). «تروریسم دولتی رژیم اسرائیل: بررسی ابعاد داخلی، بین‌المللی، گزینه‌های پیش رو و راه‌کارها»، چاپ اول، نشر دیدمان.
- ۲) حاتمی، محمدرضا. (۱۳۹۰). تروریسم از دیدگاه اسلام، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶، ۲۵-۴۷.
- ۳) دهشیری، محمدرضا و بهرامی، زهرا. (۱۳۹۴). صهیونیسم و تشدید خشونت در خاورمیانه، مجله روابط فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سال اول، شماره ۲، ۶۷-۹۱.
- ۴) سمیعی اصفهانی، علیرضا و سالکی، عبدالکریم. (۱۳۹۴). ترور- تروریسم و تروریسم دولتی، مجله سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۹۹، ۷۲-۸۹.
- ۵) فیرحی، داود و ظهیری، صمد. (۱۳۸۷). تروریسم: تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، فصل‌نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۳، ۱۴۵-۱۶۵.
- ۶) اقتصادنیوز (۱۳۹۹)، «پس لرزه‌های ترور دانشمند ایرانی، شهید فخری‌زاده در رسانه‌های خارجی»، قابل دسترسی در: <https://www.eghtesadnews.com/fa/amp/news-376023>
- ۷) باقری، سیامک (۱۳۸۷)، «ابعاد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در نوار غزه»، قابل دسترسی در: <https://www.basirat.ir/fa/news/46170>
- ۸) پایگاه خبری تحلیلی الف (۱۴۰۰)، «ارتش رسانه‌های غربی در خدمت جنایات رژیم اسرائیل علیه کودکان غزه»، قابل دسترسی در: <https://www.a1ef.ir/news/4000303107.html?show=amp>
- ۹) خبرگزاری بین‌المللی قدس (۱۳۹۰)، «چرا رژیم اسرائیل مصداق تروریسم دولتی است؟»، قابل دسترسی در: <https://www.qodsna.com/fa/157935>
- ۱۰) خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۰)، «تاکتیک رسانه‌های سعودی برای جابجایی جلا و قربانی در نبرد غزه»، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/02/26/2503947>
- ۱۱) خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۹)، «پرونده/ جزئیات همکاری مشترک موساد و سیا در حذف صدها دانشمند و شخصیت برجسته عراقی»، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/09/09/2399631>
- ۱۲) خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۸)، «تل آویو و تروریسم دولتی-۲/ فعالیت‌های تروریستی موساد برای حذف دانشمندان هسته‌ای جهان»، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/2092907>
- ۱۳) خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۶)، «نقض حقوق بشر توسط رژیم اسرائیل به طور گسترده ای مستند شده است»، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/02/24/1405833>

- ۱۴) خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۹)، «تقش رژیم اسرائیل در ترور دانشمند ایرانی؛ سکوت غرب و روشنگری رسانه ها»، قابل دسترسی در:
/https://www.ima.ir/amp/84130343
 - ۱۵) خبرگزاری دانشجویان ایران (۱۴۰۰)، «چطور رسانه های آمریکایی جنایات رژیم اسرائیل را پاک می کنند»، قابل دسترسی در:
/https://www.isna.ir/amp/1400021812201
 - ۱۶) خبرگزاری صدا و سیما (۱۳۹۹)، «چرا رژیم صهیونیستی و آمریکا پشت پرده ترور شهید فخری زاده هستند؟» قابل دسترسی در:
/https://www.iribnews.ir/fa/amp/news/2937219
 - ۱۷) خبرگزاری فارس (۱۴۰۰)، «شبکه سعودی پادوی رسانه ای صهیونیست ها در بحیوچه جنگ غزه»، قابل دسترسی در:
/https://www.farsnews.ir/amp/14000224000342
 - ۱۸) خبرگزاری مهر (۱۳۹۹)، «واکنش دیر هنگام عربستان سعودی به ترور دانشمند هسته ای ایران»، قابل دسترسی در:
/https://www.mehrnews.com/amp/5085435
 - ۱۹) دنیای اقتصاد (۱۳۹۹)، «واکنش صهیونیست ها به ترور شهید فخری زاده»، قابل دسترسی در:
/https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/amp/news-3715239
 - ۲۰) کرباسی، محمد (۱۳۹۰)، «حقوق بین الملل و ترور دانشمندان هسته ای»، قابل دسترسی در:
/https://www.hamshahrionline.ir/amp/158853
 - ۲۱) منتظران، جاوید (۱۳۹۹)، «ترور دانشمندان هسته ای ایران از منظر حقوق بین الملل: چگونگی پیگرد حقوقی بین المللی»، قابل دسترسی در:
/http://www.css.ir/fa/content/125607
 - ۲۲) همشهری آنلاین (۱۴۰۰)، «ترفند رسانه های غربی برای توجیه جنایات رژیم اسرائیل»، قابل دسترسی در:
/https://www.hamshahrionline.ir/amp/600500
- 23) Kingshott, Brian F (2007), "Terrorism Definitional Problems", (eds3), Routledge TaylorFrancis.
 - 24) Shanahan, Timoth (2016), "the definition of terrorism", Routledge Handbook of Critical Terrorism Studies, London and New York: Routledge, 103-113.
 - 25) Walzer, M (2004), "Arguing about war", New Haven, CT, Yale University Press.
 - 26) Blakeley, Ruth (2012), "State Violence as State Terrorim", The Ashgate Research Companion to Political Violence, 63, 1-14.
 - 27) Blakeley, Ruth (2009), "State Terrorim in the Social Sciences: Theories, Methods and Concepts", Contemporary State Terrorism: Theory and Practice. Critical Terrorism Studies. Routledge, Abingdon, 12-27.
 - 28) Coady, C (2004), "Terrorism and innocence", the Journal of Ethics, 8, 37-58.
 - 29) Crenshaw, Martha (1981), "the causes of terrorism", comparative politics 13 (4), 379-399.
 - 30) Kapitan, Tomis (2003), "the terrorism of " terrorism", terrorism and international justice 13, 47-66.
 - 31) Primoratz, Igor (2013), "State terrorism and counter terrorism", Ethics of Terrorism & Counter-Terrorism, 69-82.